

۲۳۹ - ای منادی پیمان جهان را غفلت مستولی بود و امکان را ظلمت محیط و متوالی و کیهان را خمودت و برودت مرض ساری تا آنکه بحر رحمانیت بموج آمد و نسیم عنایت بوزید صبح هدی بدمید و شمس حقیقت بدرخشید ولوله در آفاق افتاد و جهان آفرینش بلرزش آمد عالم ابداع بدیع شد و جهان ایجاد بهشت برین گشت عالم انسانی در ظل علم رحمانی محشور شد بینایان محو مشاهده انوار گشتند و عاشقان منجذب بجمال جانان می پرستان سرمست جام سرشار گشتند و مشتاقان مستغرق بحر لقا و موهبت دیدار اما کوران مبتلای بحرمان شدند و کران مستغرق در خواب و نسیان ولی بعضی نفوس در حال طفولیتند و هنوز مبتلای بمحرومیت باید این نفوس را تربیت نمود دلالت کرد و هدایت فرمود تا از حرمان نجات یابند و محرم خلوتگاه حضرت رحمن شوند ای بنده جمال ابهی امیدوارم که سبب حیات اهل آن جهات شوی و نفخه روحانی بدمی و تأیید از روح القدس یابی دمت نفس حیات گردد و قدمت اثر طریق نجات